

عقل و وحی دو منبع مهم معرفت زایی هستند

یک استاد گروه فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب قم براین باور است که تقسیم بندی فلسفه به اسلامی و غربی و یا غربی و شرقی نادرست است زیرا فلسفه با تکیه بر عقل و وحی به پاسخ به پرسشهای بنیادین بشری می پردازد و عقل و وحی هم در ادیان سه گانه الهی وجود دارد.



یک استاد گروه فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب قم براین باور است که تقسیم بندی فلسفه به اسلامی و غربی و یا غربی و شرقی نادرست است زیرا فلسفه با تکیه بر عقل و وحی به پاسخ به پرسشهای بنیادین بشری می پردازد و عقل و وحی هم در ادیان سه گانه الهی وجود دارد.

دکتر حسن قنبری استاد گروه فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب قم در مورد اینکه تفاوت فلسفه اسلامی با تعقل و عقلانیت یونانی به خبرنگار مهر گفت: عده ای معتقدند تقسیم فلسفه به اسلامی و غربی صحیح نیست. من هم چنین اعتقادی دارم. آن چیزی که در تاریخ فلسفه می یابیم فلسفه همان واژه یونانی فیلسوفیا یعنی دوستدار دانش است. این اصطلاح از زمان سقراط جا افتاد.

وی افزود: هرچند فلسفه از دوران پیشاسقراطی وجود داشت. بنابراین فلسفه آن دانشی است که از یونان باستان شروع شد و توسط سقراط و افلاطون و ارسطو بسط یافت، یعنی همان مباحث عقلی و اندیشگی به سبک عقل عرفی یا همان عقل محض که کانت در دروه جدید آنرا مطرح کرد. همین عقل هم مراد و منظور ارسطو بوده است.

این محقق و پژوهشگر حوزه فرهنگ اظهارداشت: اولین مسئله ای را که پیشاسقراطیان در این باب داشتند پرسشهای بنیادین بود مثلا اینکه ماده المواد این عالم چیست و این عالم از کجا آغاز شده است؟، یکی می گفت آب است دیگری می گفت هواست و کس دیگری می گفت از خاک است. به هر حال فلسفه از همین پرسشها شروع شد. پرسشهای این شکلی و اینکه مبدأ و منشأ این جهان چیست و آخرش به کجا ختم خواهد شد. رابطه انسان با دیگران و طبیعت چیست و بحثهای وجودشناسی و انسان شناسی و خداشناسی دانش فلسفه را رقم زد.

وی با تأکید بر اینکه به طور خیلی مشخصتر این پرسشها را در ارسطو می بینیم و پاسخ به آنها را هم با تکیه بر عقل عرفی یا همان عقل محض ارسطو مطرح کرد، گفت: به هر حال آن چیزی که به عنوان فلسفه رسمیت پیدا کرد و تا هنوز هم به آن توجه می شود و آنرا می شناسیم همان کاری است که ارسطو کرد. ارسطو با تکیه بر عقل همین عقلی که قوه ممیزه انسان با حیوانات است نمی خواهد آنرا پیچیده هم کنیم یا عقلی که معاصرین آنرا قدرت حل مسئله می نامند با تکیه بر آن به عالم می اندیشد و پاسخ به پرسشهای بنیادین می دهد. مباحث مختلفی که اکنون هم مدون شده و به عنوان آثار ارسطو به ما رسیده است و ما آنها را می شناسیم.

استاد گروه فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب تصریح کرد: روش خاصی که اینجا وجود دارد تکیه بر عقل عرفی بشر است همان عقلی که قدرت حل مسئله را دارد. نظر من هم همین است فلسفه یعنی همین. بنابراین طبق این تعریف نمی توان فلسفه را به غربی و شرقی و یا اسلامی و غیراسلامی تقسیم بندی کرد. حالا ممکن است کسی تعریف دیگری از فلسفه داشته باشد و پاسخهای دیگری به سؤالات بنیادین بدهد اما به طور رسمی و آکادمیک فلسفه همان است که از یونان باستان شروع شد حالا متفکران اسلامی آنرا بسط و قبض دادند. از جمله فارابی و ابن رشد و ابن سینا بر آن مسائل جدیدی افزودند. حالا ممکن است عده ای بگویند که این افراد شارحان ارسطو و فلسفه یونانی بودند و چیزی از خود نداشتند مثلا ابن رشد را شارح فلسفه یونانی می دانند.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه اظهارداشت: اما اتفاقی که در فلسفه افتاد با پیدایش مسیحیت و عنوان دین مسیحیت به عنوان دین رسمی منبع دیگری برای پاسخ به پرسشهای بنیادین مطرح شد و آن وحی بود. اتفاقی که در سده اولیه مسیحیت بوجود آمد کلیسا با رسمی شدن دین مسیحیت، وحی را منبع مهمی برای معرفت زایی مطرح کرد. عقل عرفی ای که تنها منبع معرفت بود در کنارش وحی اضافه شد و باعث شد که درگیریهایی بین طرفداران عقل محض و وحی محض روی دهد که این دعوها تاکنون هم ادامه یافته است.

وی با تأکید بر اینکه این در اسلام هم همین اتفاق رخ داد، گفت: یعنی وحی ای که منکشف و انکشاف در شخص مسیح(ع) یا رسول الله(ص) یافت به عنوان منبع معرفتی جدید مطرح شد. قبل از فلسفه اسلامی، فلسفه مسیحی بود که دچار چنین تعارضی شد و در دروه اسلامی هم همان اتفاقی که در مسیحیت افتاده بود افتاد. منتها وحی در اسلام بسیار برجسته تر از مسیحیت بود. این مسئله باعث شد مباحثی که ارسطو مطرح کرده بود و ترجمه شد و به دست مسلمین رسید در این فاز قرار بگیرد، ولی متفکران مسلمان وحی را به عنوان منبع مسلم می دانستند. بنابراین اصطلاح فلسفه اسلامی از همین جا پیش آمد. وی افزود: فلسفه اسلامی یعنی مباحثی در کنار مباحث ارسطویی و تلفیقی از بحثهای فلسفه ارسطویی و یا یونانی که وجود داشت. حالا عربها می گویند فلسفه عربی این دلایل سیاسی و اجتماعی خاص خودشان را دارد، ولی به هر حال همان بحث است، یعنی منبعی بنام وحی در کنار بحثهای عقلی ای که ارسطو و ارسطوئیان مطرح کرده بودند به وجود آمد.

استاد گروه فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب یادآور شد: نقشی که متفکرین اسلامی در این زمینه داشتند فراز و نشیبهای فراوانی

داشته است. حالا ممکن بعضی ها بگویند فلسفه غربی از فلسفه اسلامی ریشه گرفته و بعضی ها بگویند فیلسوفان مسلمان چیز تازه ای بر فلسفه ارسطویی اضافه نکردند و فلسفه اسلامی همان فلسفه یونانی است. بالاخره اینکه متفکرین مسلمان ابداعاتی در فلسفه ارسطویی کردند جای شکی نیست و در این میان نقش فرهنگ شیعی در شرح یا توسعه فلسفه ارسطویی و یا هر چیز دیگری که اسمش را شما بگذارید پررنگ تر است.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه عنوان کرد: این داستان بدین شکل تا به امروز ادامه پیدا کرد. حالا دیگر به مبانی ما بر می گردد که آیا وحی را سازگار با عقل ارسطویی بدانیم یا نه ناسازگار بدانیم تا چه حد می شود در این خصوص جلو آمد اینها مباحث مفصل دیگری است که در جای خود به آن پرداخته شده است.